

شناسایی مبانی تربیتی شاهنامه^۱

ستاره موسوی^۲

چکیده

شاهنامه با کمک داستان و تصویر سازی پرورش فضایل اخلاقی و اجتماعی را مورد توجه قرار داده است، حماسه تربیت اخلاقی و فرد- جامعه پیوندی نو در شاهنامه فردوسی پیدا می کنند. از ویژگیهای بارز شاهنامه این است که در داستانهای آن به آموزه های تربیتی و اخلاقی اشاره کرده است، با توجه به اهمیت این منبع فرهنگی جامعه ایرانی، هدف از تحقیق حاضر تبیین توصیف کیفی دلالت های تربیتی بر اساس شاهنامه بود. برای روش تحقیق از تحلیل مضمون استفاده شد. حوزه پژوهش کل ایات شاهنامه بود که به شیوه کل شمار نمونه گیری شد. در این راستا، ابتدا آموزه های تربیتی شاهنامه مبتنی بر دسته بندی موجود در مبانی نظری سند تحول آموزش و پرورش استخراج شد و سپس مصادیق و مثال هایی پایه ای مشخص گردید. پس از دست یافتن به مضامین پایه ای، مضامین سازمان دهنده سطح ۲ تعیین شدند که نشان دهنده اصول تربیتی از جنبه های اعتقادی، روحی، اخلاقی، اجتماعی-سیاسی، علمی-آموزشی، هنری بود. در نهایت مبانی تربیتی شاهنامه با توجه به مبانی اساسی تربیت یعنی هستی شناختی (ابعاد اعتقادی)، انسان شناختی (ابعاد اخلاقی، اجتماعی-سیاسی)، معرفت شناختی (ابعاد علمی-آموزشی)، ارزش شناختی (ابعاد زیبایی شناسی-هنری) و دین شناختی به دست آمد. یافته ها نشان داده است که شاهنامه، توحید و خدانشناسی، رستگاری را در مرکزیت توجه قرار می دهد. اصول تربیتی شاهنامه در چند حوزه اعتقادی، اخلاقی، آموزشی، اجتماعی-سیاسی و هنری-زیباشناختی و متناسب با ابعاد مختلف تربیتی می باشند در این راستا پیشنهاد می شود دوره های دانش افزایی برای معلمان در زمینه آشنایی با آموزه های تربیتی این اثر ادبی برگزار شود و در ضمن شاهنامه نیز به عنوان یکی از منابع در تدوین کتب درسی و برنامه های درسی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: شاهنامه، تربیت، مبانی، تحلیل کیفی.

^۱ تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۴/۱۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۶/۲۴

^۲ دکتری برنامه ریز درسی، آموزگار ابتدایی اصفهان، ایران setarehmousavi@gmail.com

مقدمه

خوب زیستن و رسیدن به سعادت، آرزوی هر انسانی است. انسان‌ها همیشه به دنبال بایدها و نبایدهایی بوده‌اند که بتوانند با عمل به آنها زندگی خود را شکل دهند و بقای حیات خویش را تضمین کنند. اما ضرورت وجود ارزش‌ها (بایدها و نبایدها) در زندگی انسان چیست؟ آدمی نیازمند یک نظام ارزشی بوده است، نظامی که خوب و بد زندگی را مشخص و راهنمایی برای وی نیز باشد. ارزش‌ها یا همان اخلاق وسیله‌ای مؤثر برای بهتر زیستن است، پس فراگیری آن، لازمه حیات بشری است و این ارزشها به واسطه تربیت محقق می‌شود. تربیت از دیرزمان دغدغه‌های اصلی بشریت بوده است. در همه‌ی اعصار و دوران‌ها؛ تمدن‌های بشری برنامه‌ی خاصی برای این مهم داشته‌اند. یکی از زیر مجموعه‌های تربیت که بسیار حساس و شاید بتوان گفت مهمترین جنبه‌ی آن است؛ تربیت اخلاقی می‌باشد. اخلاق از اصول جوامع بشری است تا جایی که کجروی جوامع بشری حاصل لغزش در بعد اخلاقی آن جامعه است.

تربیت در ایران باستان اهمیت فراوانی داشته است تا جایی که " کسنوفون در کتاب تربیت کوروش و افلاطون نیز، هم در کتاب ((آلکیبیادس)) و هم در کتاب ((نوامیس))، درباره تربیت پارسی سخن گفته و در هر دو، بر اهمیت جنبه اخلاقی تاکید کرده‌اند" (نقیب زاده، ۱۳۹۱: ۲۸).

یکی از تمدن‌هایی که بر تربیت تمرکز خاصی داشت، تمدن ایران است. در آن زمان یکی از اصول انسانیت را اخلاق می‌دانستند و با این معیار جامعه‌ی خود را تشکیل می‌دادند. یکی از این راویان فردوسی است که داستان‌های وی مملو از داستان‌های تربیتی است. اما آنچه در اینجا حائز اهمیت است اینکه تربیت اخلاقی در شاهنامه، تربیتی بر اساس فطرت انسانی و فرامین الهی بوده است.

نیک اندیشی و نیک کرداری ارزش مطلوب در شاهنامه است انسان خردمند در شاهنامه موظف به اندیشه و عمل نیک بوده، همچنین موظف به دفاع از آن در مقابل هر نوع بدی و بداندیشی اند(خسروی و موسوی، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

فردوسی از شخصیت‌هایی است که همواره بر نویسندگان و متفکران پس از خود تاثیر گذار بوده است. در طول تاریخ، این تاثیر گذاری به میزان گسترده شدن شناخت فرهنگ‌های مختلف

نسبت به او بیشتر شده است. او بر مسائل بنیادین انسانی تکیه دارد مسائل همانند عشق، ایمان که هیچ گاه کهنه نمی شوند. شاهنامه حقیقتی پیوسته با سرگذشت اقوام ایرانی است که آموزه های مختلفی را به تصویر میکشد(الهی امیرآباد، ۱۳۹۷: ۱۰۹).

شاهنامه فردوسی درمسائل اخلاقی، تربیتی، روان‌شناختی با موضوع خانواده و تعلیم و تربیت سخن گفته است. اگر این امور به صورت دقیق و تخصصی استخراج شود، تحولی اساسی در دانش مربوط به تربیت به وجود خواهد آمد. عمل به آموزه های تربیتی در زندگی و اجرای اصول تعلیم و تربیت منابع کشورمان درجامعه زمینه پیشگیری از آسیبهای فرهنگی و اخلاقی را ایجاد می کند.

بررسی پژوهشهای متعدد در زمینه شاهنامه نشان دهنده آن است که به اصول تربیتی در ساخت چنین منبعی کمتر توجه شده است. دست یابی به آموزش و پرورشی موفق نیازمند توجه به آموزه های تربیتی منابع معتبر کشورمان است. (غلامی، ۱۳۹۲). این امر لزوم پژوهش در زمینه اصول تربیتی شاهنامه را بیش از پیش آشکار می سازد.

بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که راهنمای عمل در این نهاد است، تغییر و تحولات باید به گونه ای باشد که سبب افزایش مسئولیت پذیری، تعامل و مشارکت والدین با موسسات آموزشی گردد و خانواده و والدین خود را بخشی از آموزش و پرورش قلمداد کنند. یکی از مسائل مهم نظام نوین تربیت در کشور ما این است که نهاد های مختلف این نظام، طی مراحل بنیان گذاری وگسترش و تحول تاکنون، برمبانی نظری مشخص و مدونی استوار نبوده اند تا بتوانند ضمن بهره مندی از دستاوردهای معتبر علمی، با نظام فکری و ارزشی معتبر و مقبول در جامعه و نیز با دیگر خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و بومی کشور، هماهنگ و سازگار باشند. با عنایت به این مشکل بنیادی، به رغم مساعی قابل تقدیر برای اصلاح و تحول نظام نوین تربیت، لیکن هنوز تا دستیابی به وضع مطلوب فاصله زیادی وجود دارد (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰). شاهنامه به عنوان منبعی معتبر که دارای ظرفیت های بسیار در راستای بهبود کیفیت تحصیلات مدرسه ای دارد نیز نیازمند تحول و رسیدن به وضعیت مطلوب تربیت می باشد. هر دیدگاه و نظریه یا طرح و برنامه تربیتی مشتمل بر شماری از گزاره های تجویزی است که پذیرش آنها صرفاً با توجه به

اعتبار مفروض مجموعه ای دیگر از گزاره ها با عنوان مبانی تربیت امری منطقی به نظر می رسد. برای توصیف اصول تربیتی شاهنامه نیز می توان از این مبانی پنج گانه تربیتی (از جنبه های هستی شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی، ارزش شناختی و دین شناختی) بهره برد و با استناد به آنها آموزه های شاهنامه را دسته بندی نمود.

در این راستا با توجه به اهمیت شاهنامه به عنوان منبع غنی ایران و از سویی جایگاه مبانی تربیت در اسناد بالادستی مثل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، پژوهش حاضر به بررسی مولفه ها تربیت در کتاب شاهنامه با توجه به مبانی تربیتی پرداخته است. در ادامه به بررسی مختصر مبانی و اصول تربیتی پرداخته می شود

مبانی تربیتی امری مدلل - منطقی است. این مبانی در مورد هستی جهان، انسان و جایگاه و موقعیت آدمی بحث می کند. مبانی تربیتی از محدودیت ها، قوانین، سنت ها و شرایطی بحث می کند که حیات طیبه انسان و تحولاتی که در آن صورت گرفته را تحت تاثیر قرار می دهد. از این رو با توجه به آیات و احادیث و کلام بزرگان مهم ترین مبانی تربیتی را بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد تحلیل قرار می دهیم.

مهم ترین مبانی تربیتی برحسب موضوع به پنج دسته تقسیم می شوند: مبانی هستی شناختی، مبانی انسان شناختی، مبانی معرفت شناختی، مبانی ارزش شناختی، مبانی دین شناختی. مبانی تربیتی « ویژگی های عمومی انسان که شاخه ای از توصیف انسان محسوب می شود. این ویژگی ها اولاً، در مورد عموم مردم صادق است و ثانیاً، به شکل قضایای حاوی، قابل بیان می باشد» (باقری، ۱۳۸۵: ۶۴).

اصول تربیتی «اصل، ریشه و سرچشمه یک شیء یا یک ساخت است» (احمدی، ۱۳۷۸). شریعتمداری اصول را چنین تعریف کرده است: مفاهیم، نظریه ها و قواعد نسبتاً کلی که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان در تمام رفتار تربیتی باشد؛ این اصول بر پایه آموزه های دینی و پژوهش های روانشناسی، جامعه شناسی، فرهنگی و نظریات مربیان بزرگ و دانشمندان تعلیم و تربیت است (شریعتمداری، ۱۳۸۲: ۱۶۸).

اصول تربیتی، دستورالعمل های کلی هستند که به ما می گویند برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر چه باید کرد (باقری، ۱۳۸۵: ۶۴).

نتایج تحقیقات مختلفی که در زمینه بررسی شاهنامه انجام گرفته، بیانگر این موضوع است که اگرچه آموزه های مشترک زیادی بین این مطالعات وجود دارد، اما این تحقیقات ابعاد و دسته بندی های متفاوتی از محتوا و ساختار شاهنامه ارائه کرده اند که در ادامه به مرتبط ترین این پژوهش ها اشاره می شود:

در پژوهشی دیگر صنیعی و نادری (۱۳۹۸) نشان دادند که زن در شاهنامه آمیخته ای از خردورزی، عفاف و زیارویی است. این سه خصلت بانوان شاهنامه را از تمامی بانوان حماسه ها ممتاز می گرداند و فردوسی، در جای جای اثر خویش این ویژگی ها را ستوده است. زنان شاهنامه، به جزء آنها که زنان در سایه محسوب می شوند و تاثیر چندانی در روند داستان ندارند بقیه تاثیرگذار در سیاست و اجتماع و سایر شئون زندگی اند و حتی به مرتبه پادشاهی هم می رسند. این اثر که منعکس کننده واقعیات و تقابل فرهنگ های جوامع و سرزمین های مختلف آن زمان است، می تواند نقش بسیار حائز اهمیتی در باورها و پیشینه فرهنگی نسل کنونی ایفا نماید .

بلاغی اینالو (۱۳۹۸) نشان دادند که نگاه ها به زن در شاهنامه را در پنج مقوله تحلیل کرده ایم که عبارتند از: ۱- نگاه فردوسی به زن، ۲- نگاه زن ستیزانه در شاهنامه، ۳- نگاه مثبت به زن در شاهنامه، ۴- نگاه برابر با مرد، ۵- نگاه برتری به زن. نتیجه این که نگاه فردوسی در شاهنامه به زن نگاه جنسیتی نیست بلکه فراز و فرود جایگاه زن در شاهنامه همانند جایگاه مردان در شاهنامه است.

داودآبادی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان داده اند فردوسی در توصیف شخصیت های مهم شاهنامه به گونه ای به تصویرپردازی پرداخته است که با تحلیل روان شناسانه میتوان به لایه های پنهان روانی و شخصیتی آنان دست یافت. اشراف و دقت نظر به شخصیت های اثر و بیان عواطف، روحیات و رفتار اشخاص داستانی در اقوال، کردار و موقعیتهای داستان، باعث شکوه بیشتر شاهنامه شده است.

فروزان فر، داودی و عسگری (۱۳۹۶) نشان داده است که شاهنامه فردوسی به عنوان پلی برای آشنایی با ریشه های کهن این گونه ادبی در آثار کلاسیک فارسی، به سبب برخورداری از روح حماسه و منش پهلوانی، بیانگر رابطه ای معنادار میان حماسه های خود و مضامین ادبیات پایداری است که، این مضامین در بخش میانی شاهنامه، در بردارنده مضامینی چون: دعوت به اتحاد و همدلی، میهن دوستی، ظلم ستیزی، بیان جنایت و بیدادگری، هشدار و... می باشد

که شامل مضامین شاخص و کلی ادبیات پایداری در میان آثار مقاومتی تمامی ملت هاست که با تطبیق این مضامین در بخش یاد شده و ارائه شاهد مثال های مرتبط با موضوع، بی شک شاهنامه فردوسی از نخستین و کامل ترین منابع مقاومتی ایرانیان در حوزه ادبیات پایداری است.

"دادگری و آزمندی" از جمله موضوعات مطرح در سبک فکری شاهنامه است که یکی از استوارترین ارکان بینش سیاسی فردوسی را تشکیل میدهد. فردوسی برای هر یک از پادشاهان به فراخور عملکرد جلوه‌هایی از داد و بیداد و خردورزی و آزمندی را در داستان‌های باستانی و بخش اسطوره‌ای و تاریخی شاهنامه برشمرده است. تصویرگری شاعر از "آز و داد" به شکل‌های مختلف در ضمن داستان پادشاهان آمده است. ادب و سلوک رفتاری حاکمان در پهنه تاریخ و تجربه زیستی آنان در دو مفهوم "داد و آز" متبلور است. این رفتار در اسطوره‌ها با انجام کارهای خارق‌العاده همراه است. در این مقاله کوشش کرده‌ایم به جلوه‌های مضمون و محتوای این مولفه‌ها در حماسه فردوسی بپردازیم و میزان تاثیر آنها را در تفکر سیاسی فردوسی نشان دهیم (طاهری و آسمند، ۱۳۹۵).

غلامی (۱۳۹۲) به ارائه توضیحاتی درباره‌ی مفهوم و جایگاه اندرز و خرد در اندیشه‌ی ایران باستان و متون اندرزی دوره‌ی میانه می‌پردازد و هم‌چنین اهمیت اخلاق و جایگاه خرد را در شاهنامه فردوسی مورد بررسی قرار می‌دهد. در نتیجه وی در ضمن بیان موارد اخلاقی در ایران باستان با تقابل اندرزهای ذکر شده در مینوی خرد با اندرزهای شاهنامه، تلاش میکند مشابهت‌ها و میزان تأثیرپذیری شاهنامه در بیان مفاهیم اندرزی از این متن فارسی میانه را نشان دهد.

اویسی کهخا (۱۳۹۱) در صدد تطبیق داستان‌های شاهنامه‌ی فردوسی و نهج البلاغه برآمد. وی در این پژوهش ضمن بیان نکات تعلیمی شاهنامه به این نتیجه می‌رسد که شاهنامه سراسر پند و اندرز حکیمانه است.

نکوییان (۱۳۸۹) در پژوهش خود به دنبال تبیین آراء تربیتی فردوسی با استناد به شاهنامه است.

اهداف تربیتی بدست آمده عبارتند از: اهداف تربیتی فردوسی با استناد به شاهنامه در خصوص ارتباط انسان با خدا (ستایش خداوند و پرستش او، قرب الهی، پرهیزگاری، بیم و امید به درگاه خداوند، توکل، مرگ، حیات اخروی، حساب اعمال، عدل الهی). اهداف تربیتی فردوسی با

استناد به شاهنامه در خصوص ارتباط انسان با خود شامل (قناعت، خردورزی، آزادگی، پندارنیک، تندرستی، خوشبینی، میانه روی، هنر، شادی و دوری از اندوه، پرهیز از پرخوری، فروخوردن خشم، بلندهمتی، نیک نامی، جوان مردی، اندیشه ورزشی، تربیت بدنی و مبارزه با موانع و آفات کمال آدمی) می‌شود. اهداف تربیتی فردوسی با استناد به شاهنامه در خصوص ارتباط انسان با دیگران مشتمل است بر (عدالت، راستی، وفاداری به پیمان، آئین دوستی و رفاقت، کردارنیک، سخت کوشی، گفتار نیک، بی‌آزاری، آیین جنگ و صلح، احساس مسئولیت و تعهد نسبت به حکومت، قدرشناسی، آینده نگری، مهارت‌های زبانی و سخنوری، دوری از نادان، خوش رفتاری با مردم، بخشش، مبارزه با آسیب‌های اجتماعی، عشق، میهن‌دوستی، احترام به پدر و مادر و همسایه، حفظ حجاب، پاکدامنی، مهمان نوازی و صرفه جویی).

یکی از موارد تربیت اخلاقی که در این پژوهش درباره‌ی آن تحقیق شده‌است بحث توبه است که در داستان‌های شاهنامه مورد عنایت فردوسی نیز بوده‌است. فکری ارشاد (۱۳۸۲) درباره‌ی توبه در ایران باستان پژوهشی را انجام داده‌است. وی مسأله‌ی توبه را در ایران باستان بررسی می‌کند و سیر تغییراتی را که توبه در محافل دینی ایران داشته‌است را بیان می‌کند.

امامی (۱۳۷۳) در صدد مقایسه‌ی ارزش‌های اخلاقی در ایران و یونان باستان برآمد. در همین راستا وی شاهنامه را نماینده‌ی فرهنگ ایرانی و ایلید و ادیسه هومر را نماینده‌ی یونان باستان می‌گیرد. ضمن مقایسه دو کتاب نکات اخلاقی را هم بیان می‌کند. و پس از تجزیه تحلیل نتایج حاصل را بیان می‌کند.

از بررسی پژوهش‌های پیشین روشن می‌شود که اکثر پژوهش‌های پیشین شاهنامه این منبع تربیتی را بیشتر از بعد ادبی، زبان شناسی و حماسی مورد توجه قرار دادند و کمتر پژوهشی جنبه‌های تربیتی این اثر فاخر را مدنظر قرار داده است، در نتیجه انجام پژوهش حاضر بیش از پیش ضروری است. با وجود آن که شاهنامه از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده، اما جنبه‌ی تربیتی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هدف از این پژوهش بررسی آموزه‌های تربیتی، با تاکید بر شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی بود.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی است. "منظور از پژوهش کیفی عبارت است از هر نوع تحقیقی که یافته‌هایی را به دست می‌دهد که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های کمی کسب شده‌اند. در مجموع

پژوهش کیفی به سوی درک دنیای طبیعی گرایش پیدا میکند و ماهیت آن کاملاً تفسیری است. برون داد پژوهش های کیفی اطلاعات توصیفی است که می تواند به فهم بهتر احساسات، عواطف و افکار آزمودنی ها کمک کند. به بیان دیگر، این نوع پژوهش به دنبال شناخت و درک افراد است و با محدود ساختن مطالعه بر فرد یا جامعه در پی توجیه و تفسیر افکار و نگرش ها است." (خداوردی، ۱۳۸۷: ۴۲) روش پژوهش حاضر روش تحقیق کیفی با استفاده از تحلیل مضمون است.

در این پژوهش سعی بر این است که اصول، مولفه های تربیت در شاهنامه بررسی شده است.. از طرف دیگر در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده، از روش استنتاجی استفاده شده است.

پژوهشگر در این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی - استنتاجی سعی در استنتاج نتایج مورد نظر، از تحلیل کیفی مطالب را دارد.

شاهنامه فردوسی و همچنین تألیفات و مقالاتی که پیرامون تربیت انجام شده است. این مساله در پژوهش کیفی بصورت هدفمند انتخاب می شود، از آنجا که هدف پژوهش حاضر، بررسی تربیت در شاهنامه فردوسی می باشد. نمونه پژوهش شاهنامه فردوسی، همچنین تفسیرات دیگر افراد از این کتاب است که بصورت مفصل تر و جامع تر به مسائل مربوط به تربیت اخلاقی پرداخته اند می باشد.

در این پژوهش با استفاده از اسناد موجود، فیش برداری کرده و در نهایت با تحلیل آنها نتایج مورد نظر را استنباط کرده ایم. با توجه به هدف اصلی پژوهش، محقق در راستای غنی تر ساختن برنامه های درسی و آموزشی و بازسازی آن متناسب با آموزه های تربیتی شاهنامه، به دنبال این است که با استفاده از روش تحلیل مضمون به توصیف و تحلیل آموزه های تربیتی شاهنامه پرداخته است. همچنین با استفاده از روش تحلیل مضمون به شناسایی مولفه های تربیتی شاهنامه دست یافته است. بدین منظور؛ نخست متن مصاحبه جهت بدست آوردن بینش و درک کامل محتوا و داده های درون آن چندین بار مطالعه خواهد شد. سپس واحدهای معنایی براساس هدف و سوال پژوهش مشخص می شوند. بعد از آن، نکات و عناوین مهم متن به صورت کد باز با در نظر گرفتن محتوای پیدا و پنهان از درون آن استخراج می شوند. کدها براساس تفاوت ها و شباهت هایشان دسته بندی شده و کدهای با مفهوم مشترک، در یک طبقه قرار گرفته و نام گذاری خواهند شد. با انجام هربررسی جدید امکان دارد طبقه های قبلی

بازنگری و حتی ادغام یا طبقه‌بندی جدیدی ایجاد گردد. تحلیل اطلاعات نیز با اتکا به روش تحلیل مضمون در دو مرحله انجام شد. مرحله اول استخراج عبارات و مضامین پایه ای بود و در مرحله دوم مضامین سازمان دهنده و فراگیر از مضامین پایه ای به دست آمدند. جهت اعتباریابی یافته‌ها توسط ۲ متخصص مورد توافق آنها قرار گرفت. تعداد کل مضامینی که محقق به ثبت رسانده است برابر ۲۵، تعداد کل توافق بین این کدها ۲۰ و تعداد کل عدم توافق بین این کدها، برابر ۵ است. همچنین، پایایی بین متخصصان برای بررسی‌های انجام گرفته در این تحقیق، با استفاده از رابطه یاد شده، ۹۳ درصد به دست آمد. با توجه به اینکه این میزان پایایی، بیشتر از ۶۰ درصد است (کواله، ۱۹۹۶) قابلیت اعتماد کدگذارها به تأیید می‌رسد و می‌توان ادعا کرد که عبارات و مضامین استخراجی، از پایایی خوبی برخوردار است. جهت اعتباریابی نتایج پژوهش با استفاده از راهبرد مرور همتا، پژوهشگری انجام پژوهش به منظور فراهم کردن نقدی درباره شیوه‌های به کار گرفته شده و بررسی نتایج و صحت آن‌ها، از سایر محققان کمک می‌گیرد تا از این طریق تحلیل‌های صورت گرفته بر داده‌های پژوهش، از چند دیدگاه مورد بررسی قرار گیرد

در این پژوهش با الهام از رویکرد مطرح شده، جمع‌آوری داده‌ها به صورت زیر است:

(۱) کتاب‌شناسی

الف) مطالعه شاهنامه به صورت مروری برای درک بهتر قسمت‌های مرتبط با پژوهش و نکته برداری از آنها.

ب) مطالعه شارحان دیدگاه‌های فردوسی در شاهنامه

۲) مراجعه به منابع و فیش برداری

۳) دسته‌بندی و عنوان بندی مطالب

یافته‌های پژوهش

برای شناخت مولفه‌های تربیتی شاهنامه، ابتدا مفهوم‌های موجود در شاهنامه در تناسب با مفاهیم و دیدگاه‌ها کتاب مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران استخراج شدند و متناسب با فرهنگ ایران تدوین شده است. با استفاده از این مفاهیم و نظرات، مضامین پایه ای استخراج گردیدند که در جدول شماره ۱ نشان داده شده‌اند. این مضامین نشان دهنده باورها و اندیشه‌ها و شیوه کنش و رفتار

تربیتی (اصول تربیتی) دبر اساس آموزه های شاهنامه است. در پژوهش حاضر به صورت هدفمند ۱۰ هزار ابیات شاهنامه مدنظر قرار گرفت که از این ابیات ۶۰۰۰ ابیات به مبانی مختلف تربیت اشاره داشت و بیشترین مضمونی که بر اساس مبانی سند تحول بنیادین در شاهنامه دیده شده است مرتبط با مبانی انسان شناختی و کمترین میزان اشاره به مبانی ارزش شناختی سند تحول آموزش و پرورش است؛ در پژوهش حاضر با روش نمونه گیری هدفمند بر اساس مبانی نظری سند تحول آموزش و پرورش ابیاتی انتخاب شده اند که منعکس کننده مثالها و اصول مبانی سند تحول آموزش و پرورش بوده است در واقع محقق بر این اساس با مطالعه ابیات، جستجو موضوعی شاهنامه، تحقیقات پیشین و نظرات متخصصان ابیاتی را که در بردارنده آموزه های سند تحول آموزش و پرورش بوده انتخاب کرده و این رویه تا وقتی که نمونه گیری به اشباع رسیده ادامه داشته است. درواقع محقق بر اساس فرایند اشباع نمونه گیری نمونه ای از ابیات را انتخاب کرده است.

جدول شماره ۱: استخراج عبارات و مضامین پایه ای در اصول تربیتی شاهنامه

مضمون پایه ای	عبارت
هدفمندی آفرینش	چو عنبر سر خامه چین بشست // سر نامه بود آفرین از نخست بر آن دادگر کو جهان آفرید // پس از آشکارا نهم آفرید (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۵۶۷).
	ز آغاز باید که دانی درست // سر مایه گوهرا ن از نخست که یزدان ز ناچیز چیز آفرید // بدان تا توانایی آمد پدید (فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵).
بی اعتباری دنیا	یکی پند گویم ترا من درست // دل از مهر گیتی بیایدت شست (فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۶۴)
	زمانه زما نیست چون بنگری // ندارد کسی آلت داوری بیاران خوان و بیمای جام // ز تیمار گیتی مبر هیچ نام اگر چرخ گردان کشد زین تو // سرانجام خاکست بالین تو دلت را به تیمار چندان میند // بس ایمن مشو بر سپهر بلند (فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۸۶۲)
ایمان به کیفر الهی	چنان روکه پرستد روز شمار // نیچی سر از شرم پروردگار به داد و دهش گیتی آباد دار // دل زیردستان خود شاد دار که برکس نماند جهان // نه بر تاجدار و نه بر موبدان (فردوسی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۲۴۴)

خداوند به عنوان مبدا هستی	سر نامه بود آفرین از نخست پس از آشکارا نهنان آفرید	چو عنبر سر خامه چین بشست بر آن دادگر کو جهان آفرید (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۵۶۲)
	همه چیز جفتست و ایزد یکیست	خداوند هست و خداوند نیست // (فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۵۸۸)
	نگهبان جان است و آن سه پاس	نخست آفرینش خرد را شناس // (فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵)
اراده و اختیار انسان	از ایران سوی ترک بنهاد که در چارشنبه مزین گام را روی همه کار ناسودمند آیدت	بدانگه که بهرام شد جنگجوی // ستاره شمر گفت بهرام را اگر زین بیچی، گزند آیدت (فردوسی، ۱۳۶۹، ج ۷: ۵۵۳)
اطاعت از خدا	جهاندار و بیدار و بیننده را ازو یافتم	پرستش گرفت آفریننده را // از آن پس چنین گفت کین تاج و تخت کافریدست بخت همه دسب گانیم و ایزد یکیست (فردوسی، ۱۳۶۹، ج ۷: ۲۱۱)
کمال جو بودن انسان	کند روشن این تیره بازارتان بدی را مبندید هرگز میان	چو خواهید کایزد بود یارتان // کم آزار باشید و هم کم زیان (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۲۱)
دورنگری	بدان تا شود ایمن و تندرست دل مردم کم سخن مشکنید سخن هایی داننده باید شنید	به کار اندر اندیشه باید نخست // سگالید هر کار وزان پس کنید برانداخت باید پس آنگه برید (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۸۱۲)
	ز کردار بد بازگشتن سزد	کسی کو ببیند سرانجام بد (فردوسی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۱۸)
علم آموزی	که گوش نیوشنده زو برخورد خرد زیور نامداران بود	بگو تا چه داری بیار از خرد // خرد افسر شهریاران بود (فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۶)
	چو دانا بود بر مهان بر، مه است	چنین داد پاسخ که دانش به است // (فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۰۶)
	که خود رنج بردن به دانش سزاست	به رنج اندر آری تنت را رواست // (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۸۴)

	همان کودکش را به فرهنگیان // سپردی چو بودی از آهنگیان به هر برزن اندر دبستان بدی // همان جای آتش پرستان بدی (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۹۳)
	برآمد همی گرد مرو و بجست // یکی موبدی دیر بازند و است همی کودکان را بیاموخت زند // به تندی و خشم و به بانگ بلند (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۸۶)
میان‌ه روی	میان‌ه گزینی بمانی به جای // خردمند خوانند و پاکیزه رای (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۲۲۵)
	ستوده کسی کو میان‌ه گزید // تن خویش را آفرین گسترید (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۲۸۱)
	ز کار زمانه میان‌ه گ // چو خواهی که یابی داد آفرین (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۲۴۵)
	چو داری به دست اندرون خواسته // زر و سیم و اسبان آراسته هزینه چنان کن که بایدت کرد // نشاید گشاد و نباید فشرد (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۴۸۰)
برقراری عدالت	اگر کشور آباد داری به داد // بمانی تو آباد و ز داد شاد (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۲۱۹)
	به هر کاری با هر کسی داد کن // زبزدان نیکی دهش یاد کن (فردوسی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۶۵۶)
	تو اکنون همی کوش و با داد باش // چو دادآوری از غم آزاد باش (فردوسی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۰۵۶)
تلاش و پشتکار	تن آسانی و کاهلی دور کن // بکوش و ز رنج تنت سود کن (فردوسی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۴۸۸)
	ز نیرو بود مرد را راستی // زسستی دروغ آید و کاستی (فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۴۸)
	به منزل رسید آنک پوینده بود // رهی یافت آن کس که جوینده بود (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۰۵۶)
	هر آن کس که بگریزد از کار کرد // از دور شد نام و ننگ و نبرد همان کاهلی مردم از بد دلیست // هم آواز آن بددلی کاهلیست (فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۲۴۸)
مدیریت خشم	خرد را مه و خشم را بنده دار // مشو تیز با مرد پرهیزگار نگر تا نگردهد به گرد تو آز // که از آورد خشم و بیم و نیاز همه بردباری کن و راستی // جدا کن دل از کژی و کاستی (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۸۳)

انسان دوستی	هرآنکو گذشت از ره مردمی (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۸۲)	زدیوان شمر مشمرش آدمی
	ستیزه نه خوب آید از نامجوی (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۹۸)	به پرهیز و گرد ستیزه میبوی
	مر آشتی بهتر آید ز جنگ (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۰۹)	نباید گرفتن چنین کار تنگ
	پلنگ این شناسد که پیکار و جنگ سنگ (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۰۹)	نه خوب است و داند همی کوه و
رعایت آداب معاشرت	همه مهتران پیشباز آمدند چو آمد به نزدیکی اصفهان بیامد ز ایران دالرای پیش (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۱۱)	پر از درد و گرم و گداز آمدند پذیره شدندش فراوان مهان خود و نامداران به آیین خویش
	پس زندگی یاد کن روز مرگ (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۵۴)	چنانیم با مرگ چون باد و برگ
	هر آنکس که پوزش کند بر گناه (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۱۹۰)	تو بپذیر و کین گذشته مخواه
توجه به عقل ورزی	به نام خداوند جان و خرد (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۲)	کزین برتر اندیشه بر نگذرد
	تو را دین و دانش رهند (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۸)	درست در رستگاری بباید جست
	نخست آفرینش خرد را شناس سه پاس تو چشم است و گوش و زبان (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲)	نگهبان جان است و آن سه پاس کزین سه بود نیک و بد بی گمان
تاکید بر آموزش	هنر باید و گوهر آموزگار (فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۲۹)	خرد یار و فرهنگش آموزگار
	چو این چار گوهر به جای آوری (فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۴۰).	به مردم جهان زیر پا آوری
عشق و محبت	فزدون به فرزند بر مهر خویش ز فرهنگ و از دانش آموختن سپردن به فرهنگ فرزند خرد (فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۴).	چو در آب دیدن چهر خویش سزد گر دلش به آموختن که گیتی به نادان نباید سپرد
	خروشی بر آمد ز درگاه شاه بباید بدرگاه نوشین روان (فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۸۵)	که هر کس که جوید سوی داد راه لب شاه خندان و دولت جوان

	ز بنده نخواهد بجز داد و مهر (فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۷۸)	خداوند کیوان و گردان سپهر
	چه در آشکار و چه در نهان (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۱۹)	جز از داد و خوبی مکن در جهان
	به آزار موری نیرزد جهان همه نیکویی کن اگر بخردی بدی را بدی باشد اندر خورت (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۷۵)	به نزد کهان و به نزد مهان دراز است دست فلک بر بدی چو نیکی کنی نیکی آید برت
تفکر تحلیلی	جهان زنده از بخت و رنج منست پسندیدن داد راه من است ز بدخواه و ز مردم نیکخواه که آباد بادا به دادت زمین (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۵۵)	که اندر جهان داد گنج منست جهان سر به سر در پناه منست گشادست بر هر کس این بارگاه همه انجمن خواندند آفرین
	به دستور گردد دلرای گاه می و بخشش و شادی و داد و بزم ز اندیشه کدخدایی و گنج (فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۸: ۲۶۶)	اگر چند باشد سرافراز شاه شکار است کار شهنشاه و رزم دل و جان دستور باشد ... (فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۸: ۲۶۶)
فرهنگ خوش بینی	بداندیش را بد بود روزگار (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۳۸۲)	به دل اندر اندیشه بد مدار
	ره ایزدی باید و بخردی (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۰۰)	نباید کشیدن گمان بدی
	به مهر اندرون کشور افسون کنید چو دیدید، سرما بهار آورید (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۶۵)	ز دل ها همه کینه بیرون کنید بکوشید و خوبی به کار آورید
تقویت فرهنگ شادی	خرد گردد اندر میان ناتوان (فردوسی، ۱۳۵۷، ج ۴: ۱۵۶)	چو شادی بکاهد بکاهد روان
	که او هیچ مهری ندارد به کس (فردوسی، ۱۳۵۷، ج ۲: ۱۸)	ز گیتی تو را شادمانی است بس
ارج گذاری به هنر	هنرمند بودی منی فش مشو (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۸: ۴۵۷)	به رمزی که کردی چنین گش مشو
	که با کس نسزد سرای سپنج (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۶۸)	بیا تا نداریم دل را به رنج

	به یکسان نگردد سپهر بلند گهی با می و رود و رامشگران (فردوسی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۴۱).	گهی شاد دارد گهی مستمند گهی با غم و گرم و رنج گران
	کجا پیلسم بود نام جوان چنین گفت با نامور پیلسم (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۰۳)	یکیپرهنر مرد روشن روان که این شاخ را بار دردست و غم
	که روز جوانی هنر داشتم (فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۷: ۱۱۱۴)	بد و نیک را خوار بگذاشتم
تواضع و فروتنی	که فروتن بود شه که دانا بود (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۶۸).	به دانش بزرگ و توانا بود
	فروتر بود هرکه دارد خرد (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۶۸).	سپهرش همی درخرد پرورد
	مشو غره ز آن هنرهای خویش (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۵۶).	نگهدار بر جایگه پای خویش
هوش هیجانی و عاطفی	چو آمد به دستان سام آگه سوی تخت پیروزه باز آمدند (فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۵۶).	که مهراب آمد بدین فرهی گشاده دل و بزم ساز آمدند
	مگر شاه را نزدماه آوریم (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۶۳).	به نزدیک او پایگاه آوریم

پس از دست یافتن به مضامین پایه ای اکنون می توان مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر تربیتی را مشخص نمود. در این مرحله از تحلیل مضمونی سعی می شود با سازماندهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه ای به مضامین انتزاعی تری دست یافت که به مضمونهای اصلی ترمنجر می شود. مضامین سازمان دهنده سطح ۱ با توجه ابعاد وجودی انسان اعتقادی، اخلاقی، جسمی، هنری، علمی، اجتماعی- سیاسی و اقتصادی-حرفه ای تفکیک شده اند.

جدول شماره ۲: مضامین سازمان دهنده و فراگیر اصول تربیتی در شاهنامه

مضمون پایه ای (ابعاد تربیت)	مضامین سازمان دهنده (۲)	مضامین سازمان دهنده (۱)	مضمون فراگیر
اطاعت از خدا	تربیت اعتقادی	هستی شناختی	مؤلفه های تربیتی
هدفمندی آفرینش			
خداوند به عنوان مبدا هستی			
اعتقاد به کیفر الهی			
اراده و اختیار انسان			
بی اعتباری دنیا	تربیت روانشناختی و فردی	انسان شناختی	مؤلفه های تربیتی
هوش هیجانی و عاطفی			
تقویت فرهنگ شادی			
تفکر تحلیلی			
مدیریت خشم			
دورنگری			
کمالجو بودن			
تواضع و فروتنی			
عشق و محبت			
انسان دوستی			
تلاش و پشتکار	تربیت اجتماعی و سیاسی	معرفت شناختی	مؤلفه های تربیتی
میانہ روی			
رعایت آداب معاشرت			
فرهنگ خوش بینی	تربیت علمی	ارزش شناختی	مؤلفه های تربیتی
رعایت عدالت			
تاکید برآموزش			
توجه به عقل ورزی	تربیت هنری		مؤلفه های تربیتی
علم آموزی			
ارج گذاری به هنر			

پس از دست یافتن به مضامین پایه ای، مضامین سازمان دهنده سطح ۲ مشخص می شوند که نشان دهنده اصول تربیتی شاهنامه از جنبه های اعتقادی، روانشناختی، اخلاقی، اجتماعی-سیاسی، علمی، هنری است.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، به واکاوی و استنباط برخی از اصول تربیتی برای زیستن بهینه در دنیای امروز از منظر شاهنامه‌ی حکیم فردوسی پرداخته شد. هدف از انجام این پژوهش، نشان دادن این امر بود که شاهنامه هنوز هم می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین منابع غنی و دست اول و سودمند برای تربیت آدمی باشد. برای پاسخ به این پرسش، نظرات موجود در خصوص اصول تربیتی شاهنامه با توجه به مبانی نظری ارائه شده در سند تحول بنیادین، مبانی نظری سند تحول بنیادین، اصول تربیتی شاهنامه استخراج و ارائه شده است به این صورت که ابتدا عبارات و مفهوم‌های موجود در مبانی نظری و متون موجود گزینش شد و سپس مضامین پایه‌ای مشخص گردید. پس از دست یافتن به مضامین پایه‌ای، مضامین سازمان دهنده سطح ۲ تعیین شدند که نشان دهنده مولفه‌های تربیتی اعتقادی، روحی، اخلاقی، اجتماعی-سیاسی، علمی-آموزشی، هنری و بود. در نهایت این مولفه‌ها با توجه به مبانی اساسی تربیت یعنی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و دین‌شناختی به دست آمد که در جدول ۱۲، رایه و خلاصه شد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داده است که، اصول تربیتی شاهنامه در چند حوزه اعتقادی، اخلاقی، آموزشی، اجتماعی-سیاسی و هنری-زیباشناختی و متناسب با ابعاد مختلف تربیتی می‌باشند که به صورت غیرمستقیم با یافته‌های اوپسی کهخا(۱۳۹۱)، بلاغی اینالو(۱۳۹۸)، خسروی، موسوی(۱۳۸۷)، داودآبادی و همکاران(۱۳۹۷)، طاهری و آسمند(۱۳۹۵)، فروزان فر و همکاران(۱۳۹۶) همسو می‌باشد.

بعد اعتقادی به شناخت هستی و منشا آن مربوط است که مباحث اساسی زندگی پس از مرگ، یکپارچگی هستی، شناخت خداوند، شناخت جهان و سنت‌های حاکم و شناخت انسان را در بر می‌گیرد. بعد اخلاقی فضایل اخلاقی، خداشناسی و کمال جویی و تکوین هویت را شامل می‌شود. بعد هنری و زیبایی‌شناختی شامل زیبایی طبیعت، کرامت انسان، عدالت ورزی، ارج گذاری به هنر و تقویت اوقات فراغت است. بعد علمی و آموزشی نیز دارای اهمیت والایی است و از علم آموزی و توسعه آن تا اندیشه ورزی، تقویت شناخت، بحث هدایت‌گری معلم و

مشارکت خانواده در تربیت را در بر می گیرد. بعد اجتماعی و سیاسی شامل حفظ وحدت، احسان و احترام به دیگران، رعایت آداب معاشرت، مشارکت سیاسی است.. چنان که مشخص است، شاهنامه همه ابعاد وجودی انسان راه و روش زندگی سالم و پاک را توصیف و هدف گذاری نموده است به طوری که در هدایت و تربیت انسان همه جنبه ها لحاظ شده است.

درواقع شاهنامه یکی از نخستین شاهکارهای ادبیات تعلیمی به شمار می آید که با مضامین اخلاقی، دینی، حکمی و تربیتی در کنار جنبه حماسی و غنایی، فضایل انسانی را آموزش می دهد. جنبه های مختلف فردی و اجتماعی در «شاهنامه» مورد توجه قرار گرفته است و جایگاه مهر و محبت، بخشش و عدالت، راه های استحکام دوستی و حتی نتیجه دوستی از دیدگاه فردوسی در آینه «شاهنامه» ارائه شده است و دوراندیشی ها و اندرزه های ابتکاری دارد که از تعالیم انسانی برای همه دوران ها به شمار می آید. فردوسی همواره در اشعار خود بر آموزه های تربیتی در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، هنری، اخلاقی، اعتقادی نیز عنایت ویژه ای دارد و به گونه ای این اثر نگاه جامعی به تربیت دارد و در بطن داستان و تصویرسازی حماسی بر بسط دوستی، صلح، مدارا، خود مدیریتی، آگاهی سیاسی و ارتباطات اجتماعی به صورتی زیبا تاکید داشته است. اشعار وی همواره ارتباط انسان با خداوند را محوریت قرار می دهد و در شرح کلیه رویدادها همواره انسان را به یاد خالقش می اندازد و تلاش می کند تا وی را از هوس و غوطه وری در دنیای مادی نجات بخشد، تفکر حاکم بر شاهنامه مبتنی بر خرد و حکمت است در این راستا بسیاری از مفاهیم تعلیمی نظیر عدم پایداری دنیا، لزوم عدل و داد در جامعه و دوری از ظلم و بیداد، انسان دوستی، صلح، گفتگو مسالمت آمیز را بیان کرده است.

درواقع فردوسی نسبت به جامعه خود آگاهی داشته و حساس بوده و از سر شعور و مسئولیت پذیری اجتماعی نسبت به افشاری جلوه های ظلم، و حرص پرداخته است و توأماً پرورش فضایی مانند دوستی، علم، روحیه هنری و .. را به کمک مثال و اشعار به زیبایی مورد تاکید قرار داده است زیربنای تفکر او تربیت نیک اندیشی و انسان دوستی است. و تربیت اخلاقی

رکن اصلی آموزه های تربیتی اوست. و اشعار او تصویر جامعی از سیاست، اخلاق و حماسه است.

بر اساس نتایج پژوهش برای بهره گیری از آموزه های شاهنامه پیشنهاد می شود :

- برگزاری دوره ها و کارگاههایی برای آشنایی هر چه بیشتر معلمان و مربیان تربیتی با این اثر تربیتی.
- مشارکت متخصصان ادبیات فارسی در تدوین برنامه های درسی دوره های مختلف .
- ترویج هر چه بیشتر پژوهشهایی در زمینه منابع بومی به جای صرف الگو برداری از اندیشمندان غربی.
- توجه وافر و جدی رسانه های ملی خصوصا صدا و سیما به انعکاس منابع اصیل تربیتی مثل شاهنامه.
- برگزاری سمینارهای علمی، پژوهشی در حوزه ابعاد تربیتی منابع فاخر کشورمان مثل شاهنامه.
- برگزاری کارگاه های آموزش ضمن خدمت برای فرهنگیان، همچنین برای خانواده های دانش آموزان خصوصا مقطع راهنمایی و متوسطه از سوی سازمان آموزش و پرورش به منظور آگاه سازی آنان از آموزه های تربیتی شاهنامه.

منابع و ماخذ

- احمدی، علی اصغر (۱۳۷۸). اصول تربیت، چاپ دوم. تهران: انتشارات آرین.
- امامی، حسن. (۱۳۷۳). اصول اخلاقی در شاهنامه و ایلیدادو ادیسه. پایان نامه کارشناسی. دانشگاه شیراز.
- اویسی کهنخا، عبدالعلی. (۱۳۹۱). حکمت های تعلیمی مشترک در شاهنامه فردوسی و نهج البلاغه. نشریه علمی-پژوهشی پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال چهارم، شماره چهارده، صص ۷۱-۹۴.
- باقری، خسرو (۱۳۸۵). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱. تهران: انتشارات مدرسه، چاپ سوم.

- بلاغی اینالو، علی، (۱۳۹۸). نگاهی دیگر به جایگاه زن در شاهنامه فردوسی. پویش در آموزش علوم انسانی، شماره ۷، صص ۱۱۰-۱۲۵.
- جعفری، مهدی، (۱۳۸۶). نیاز انسان به اخلاق. دو ماه نامه خلق، شماره ۱.
- خداوردی، حسن. (۱۳۸۷). متدولوژی پژوهش کیفی. فصلنامه ره آورد سیاسی. شماره ۲۱، صص ۴۱-۶۳.
- خسروی، اشرف؛ موسوی، سیدکاظم، (۱۳۸۷). خردورزی و دین داری اساس هویت ایرانی در شاهنامه. فصلنامه علمی پژوهشی کاوش نامه، ۹(۱۶)، صص ۹۹-۱۲۶.
- داودآبادی، محمدعلی؛ باقری، زینب؛ سرور یعقوبی، علی، (۱۳۹۷). بررسی روانشناسی رفتار قهرمانان در شاهنامه. سبک شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۴۱، صص ۱۴۲-۱۶۲.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. چاپ بیست و چهارم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صنیعی، سحر؛ نادری، فاطمه، (۱۳۹۸). نگرش شاهنامه به نقش اجتماعی و هویت فاخر زن ایرانی. پژوهش ملل، شماره ۴۴، صص ۱۰۳-۱۱۲.
- طاهری، محمد؛ آسمند، علی، (۱۳۹۵). چگونگی انعکاس «دادگری و آزمندی» پادشاهان در شاهنامه و تحلیل سبکی آنها. سبک شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۳۳، صص ۱-۲۱.
- غلامی، عبدالله، (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مضامین اندرزی مینوی خرد و شاهنامه فردوسی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بوعلی سینا.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۹). شاهنامه فردوسی. چاپ مسکو به کوشش سعید حمیدیان، چ ۳، تهران: قطره.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۶). شاهنامه. تصحیح جلال خالقی مطلق، مقدمه احسان یار شاطر، نیویورک.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹). شاهنامه. تصحیح جلال خالقی مطلق، مقدمه احسان یار شاطر، جلد دوم، نیویورک.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۱). شاهنامه. تصحیح جلال خالقی مطلق، مقدمه احسان یار شاطر، جلد سوم، نیویورک.

- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۳). شاهنامه. تصحیح جلال خالقی مطلق، مقدمه احسان یار شاطر، جلد چهارم.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۵). شاهنامه. تصحیح جلال خالقی مطلق، مقدمه احسان یار شاطر، جلد پنجم، نیویورک.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). شاهنامه. به کوشش خالقی مطلق، جلال، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)، چاپ سوم.
- فروزان فر، احمد؛ داودی مقدم، فریده؛ عسگری، زهرا. (۱۳۹۶). مضامین شاخص ادبیات پایداری در بخش حماسی شاهنامه فردوسی. ادبیات پایداری، ۹(۱۷)، صص ۲۵۳-۲۶۹.
- فکری ارشاد، جهانگیر. (۱۳۸۲). توبه در ایران باستان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ۵۵(۱۸۹)، صص ۱-۱۶.
- مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی. (۱۳۹۰). تهران: شورای انقلاب فرهنگی.
- نقیب زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۹۱). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: طهوری.
- نکویان، حبیب. (۱۳۸۹). تبیین آراء تربیتی فردوسی با استناد به شاهنامه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- الهی امیرآباد، محمد. (۱۳۹۷). اصول تعلیم و تربیت در نظریه انتقادی فردوسی، مجموعه مقالات همایش ملی شاهنامه و تعلیم و تربیت. مشهد.
- Kvale, S. (1996). *Inter Views: An introduction to qualitative research writing*. Thousand Oaks, Calif: Sage Publications.